

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۲/۲۰

بازشناسی فرم معماری کاخ هشت‌بهشت تبریز

جایگاه آن در روند شکل‌گیری نمونه‌های ایران و سرزمین‌های همجوار، طی قرون نهم و دهم قمری

معصومه میرزایی*

سیدرسول موسوی حاجی**

عابد تقوی***

امین مرادی****

چکیده

پیرامون مطالعات تاریخ معماری اسلامی، تحلیل فضایی و گونه‌شناسی کاربری‌های غیر مذهبی از جمله «کاخ»، شامل فضایی به جهت ترفیع زیاده‌خواهی‌های شاهانه، به دلیل ماهیت آن، با ابهاماتی مواجه بوده است. نتایج به دست آمده از نوآوری‌های معماری ایرانی، ابداع کاخی با طرح «هشت‌بهشت» را مربوط به دوران صفویه دانسته‌اند، در حالی که براساس متون تاریخی، نخستین گونه از سبک مزبور، ضمن شکل‌گیری ترکمانان در تبریز، به سایر نقاط ایران و مرزهای همجوار سرایت کرده است. این تحقیق بر آن است تا به روش تحلیل محتوایی متون به تبیین فرم کاخ هشت‌بهشت تبریز و تأثیرپذیری کاخ‌های ایرانی و غیر ایرانی از آن بپردازد. پیرو نتایج به دست آمده، شکل‌گیری طرح هشت‌بهشت تبریز، با کوچ اجباری هنرمندان و معماران شمال غرب ایران توسط تیمور به آسیای مرکزی و تجربه چادرنشینی اقوام مزبور مرتبط بوده است؛ به گونه‌ای که با انتقال پایتخت ترکمانان به تبریز، گونه هشت‌بهشت ابداع و طی دوره صفویه، نمونه‌های قزوین و اصفهان را تأثیر گذاشته است. به نظر می‌رسد، موقعیت جغرافیایی آذربایجان و تنش‌های سیاسی مداوم با دولت عثمانی در انتشار فرم معماری هشت‌بهشت و بازتاب آن در چینیلی کوشک مؤثر بوده است؛ همچنین، حضور نمایندگان هند در ایران و روابط حسنه آنان با دولت صفویه، ناقل فرم هشت‌بهشت در شبه قاره هند بوده است.

واژگان کلیدی

کاخ هشت‌بهشت، ترکمانان آق‌قویونلو، اسناد تاریخی، منطقه آذربایجان.

*. دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی اسلامی، دانشگاه مازندران، نویسنده مسئول ۰۹۱۰۱۰۰۲۰۵۷ masume.mirzaie@gmail.com

**. دکتری باستان‌شناسی. گروه باستان‌شناسی اسلامی، دانشگاه مازندران، seyyed_rasool@yahoo.com

***. دکتری باستان‌شناسی. گروه باستان‌شناسی اسلامی، دانشگاه مازندران، abedtaghavi@gmail.com

****. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی اسلامی، دانشگاه مازندران، A.moradi@stu.umz.ac.ir

مقدمه

سیر تحول و تکوین «کاخ»، این فضای تجملاتی شاهانه که به عنوان نمونه‌ای از معماری غیرمذهبی شناخته شده است، همواره از مهم‌ترین موضوعات بحث‌برانگیز معماری اسلامی است. فضایی که بر خلاف گونه‌های دیگر معماری اسلامی، احتیاط‌های لازم در استحکامات آن رعایت نشده و از همین رو کمبود فوق‌العاده کاخ‌های اسلامی، مطالعه، تحقیق و تحلیل تحولات معماری آنان را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخته است. چنان‌که غیر از بقایای کاملاً مخروب و متروک چند کاخ اموی، عباسی و غزنوی، از دیگر کاخ‌های سده‌های مختلف اسلامی تا دوره صفوی تقریباً هیچ اثر قابل توجهی باقی نمانده که بتوان با مطالعه آنها، به درک درستی از سیر تحول و تطور معماری کاخ‌های اسلامی و تأثیرات متقابل آنها از یکدیگر نائل آمد. هر چند کمبود شواهد باستان‌شناختی بر جای مانده از کاخ‌های دوران اسلامی، متخصصان تاریخ معماری اسلامی را با مشکل جدی مواجه ساخته اما غفلت آنها از اطلاعات ذی‌قیمت موجود در منابع تاریخی نیز مزید بر علت شد تا هم اطلاعات ما از سیر تحول معماری کاخ‌های دوران اسلامی ناچیز باشد و هم صحت اندک اطلاعات موجود و تحلیل داده‌های آنها نیز در سایه‌ای از شک و تردید قرار گیرد.

پیرو منابع تاریخی، وجود ساخت و سازهایی در بطن فضایی سبز مملو از درختان بسیار با نام‌هایی چون «باغ»، «پارادایز»، «بوستان»، «گلستان»، «سرای» و «پردیس» و ... همواره مشهود بوده است (بیبهقی، ۱۳۶۲: ۱۶۲-۱۵۲). علی یزدی، ۱۳۳۶: (۵۷۱-۲۱۵). هر چند مطابق تعلیمات اسلامی، تمرکز بر ایجاد فضاهای تجملاتی مانند کاخ از مقبولیت عام برخوردار نبوده است، با این حال نخستین نشانه‌های باغ‌سازی و فضاهای مرتبط با آن در ایران طی دوران اسلامی، در زمان حکومت «آل‌باوند» در شمال ایران هویدا است (Golombek, 142: 2006). قابل ذکر است، در دوران آل‌بویه در جنوب غرب ایران باغ‌ها و کاخ‌هایی به ویژه در دوران عضالدوله ایجاد شد (خوانساری، مقتدر و یآوری، ۱۳۸۳: ۵۶). همچنین سنت باغ‌سازی در زمان غزنویان با ایجاد باغ‌هایی چون: «لشکری بازار»، «پیروزی»،

«عدنایی»، «سپید»، «تداوم یافت». در این میان از کوشک‌های درون باغ‌ها، که در تاریخ بیبهقی از آنها نام برده شده است، می‌توان به «کوشک صد هزاره»، «کوشک عبدالعلی»، «کوشک دولت»، «کوشک لنجان»، «کوشک شاه»، «کوشک عدنایی»، «کوشک محمودی» و «کوشک مسعودی» اشاره کرد (بیبهقی، ۱۳۶۲: ۴۰۹). در دوره سلجوقیان هنر باغ‌سازی در فلات داخلی ایران به صورت چشمگیری گسترش داشته است که از مهم‌ترین دستاوردهای آنان ساخت باغ «کاران» در اصفهان است (مافرخی، ۱۳۸۵: ۴۹-۵۴). هنرفر، ۱۳۳۴: (۵۶-۵۷). طی دوره ایلخانی، «غازان‌خان» در تبریز دست به طراحی و تغییر کاربری باغ‌های اطراف شهر زده و به ایجاد بناهای عام‌المنفعه در آنها پرداخت (همدانی، ۱۳۳۴: ۹۹۸؛ اولیاءچلیبی، ۱۳۳۸: ۵۴). تلاش تیمور در انتقال بسیاری از هنرمندان و معماران ایران، به ویژه معمارانی از آذربایجان، به سمرقند (پایتخت) و استفاده وسیع از طرح‌ها و ایده‌های معماری آنان در اطراف سمرقند، منجر به ایجاد باغ‌ها و فضاهای معماری درون آن، به تأثیر از معماری ایلخانان مغول شد (Golombek, 2006: 142؛ پتروچیولی، ۱۳۹۱: ۲۸۴-۲۸۳). به نظر می‌رسد، طی حاکمیت تیموریان، که رنسانس باغ‌سازی ایرانی است، «کوشک» بتدریج به عنوان عنصر ثابت، جایگزین سراپرده‌های موجود در باغ‌های پادشاهان این دوره شده است (Okane, 1998; 249-255). هر چند با انتقال قدرت به ترکمانان، تبریز معرّف سبک خاصی از کاخ‌سازی، شامل پلانی در هشت قسمت است که تا آن دوره بی‌سابقه بوده است (Okane, 1998; 230-250؛ بلر و بلوم، ۱۳۹۱: ۹۵-۱۰۷؛ هیلن‌براند، ۱۳۹۳: ۴۰۷-۳۷۶). کنتارینی و زنونکاترینو، ۱۳۸۱: ۴۲۵-۴۱۰ و بدلیسی، ۱۳۷۷: ۸۹-۶۰). با این حال اکثر متخصصان تاریخ معماری، ابداع و خاستگاه کاخ‌های موسوم به هشت‌بهشت را به دوران صفوی نسبت داده‌اند. به همین جهت تحقیق پیش‌رو نخستین گام به جهت ترفیع فترت موجود در تاریخ معماری ایران و سرزمین‌های همجوار آن به‌خصوص در زمینه سنت کاخ‌سازی خواهد بود.

پیشینه تحقیق

تحقیقات ارزشمند ویلبر و گلمبک از جمله جامع‌ترین تفاسیر

جدول ۱. ساختار فضایی باغ‌های تیمور در سمرقند، با تأکید بر ایجاد کوشک در مرکز باغ. مأخذ: نگارندگان.

باغ سفید، چنار، میدان	باغ گل سرخ	باغ دولت آباد	باغ نو	باغ شمال	باغ دلگشا

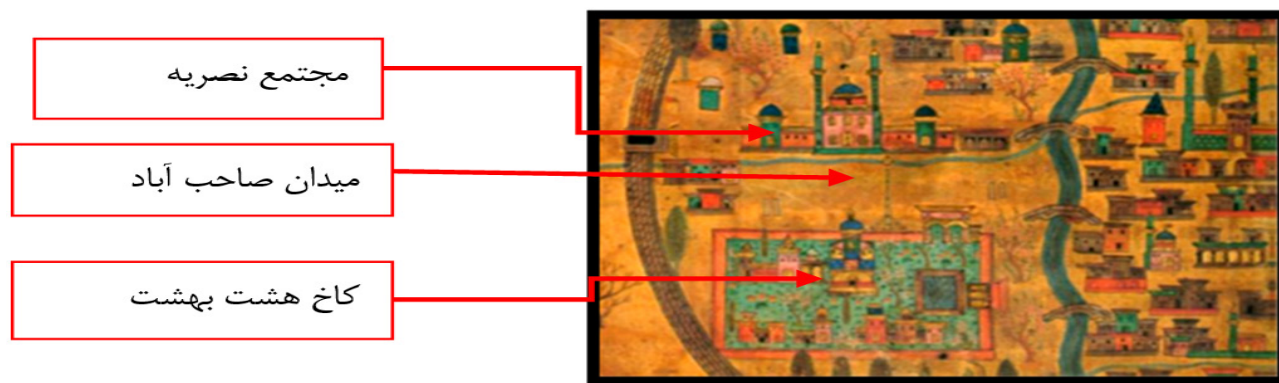
جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۰: ۱۱۹). کلاویخو که در سال ۸۰۷ قمری در سمرقند بوده، توصیف بسیار خوبی از چادرهای تیمور را ارائه داده است. در اینجا الگوی فضای معماری حاکم تشکیل شده بود از سایه بان ابریشمی، به شکلی که در بسیاری از مینیاتورهای آن زمان به چشم می خورد. عمارت تیمورلنگ، که همچون قصری واقعی بود از پارچه های ابریشمی بسیار زیبا با رنگ های مختلف، که با نخ های مختلف لیه دوزی شده بود. باشکوه ترین تزیینات در بخش گنبدی آن بود، که در چهار گوشه آن تصاویر عقاب هایی با بال های گشوده را کشیده بودند (زانگری و همکاران، ۱۳۹۱ : ۱۹۶ ؛ کلاویخو، ۱۳۷۴ : ۲۲۹). به نظر می رسد، به مرور زمان و با تجمیع سازمان های اداری، حکومتی، تفریحی و نیز با افزودن کاربری های خصوصی (حرمسرا)، در این باغ ها، عناصر معماری زوال پذیر (سراپرده) با مصالح بادوام (آجر) جایگزین شده اند (Okane, 2006: 49-55). از این منظر، سمرقند از نمونه های «باغ شهر» طی دوره اسلامی است، به گونه ای که اطراف آن، باغی درون شهر و شهری با تمام امکانات درون باغ تعبیه شده بود (ویلبر، ۱۳۹۰ : ۵۷). در اغلب موارد در وسط باغ، فضای معماری یا کوشک قرار داشت که بسته به کاربری آن به نام های «قصر»، «عمارت» یا «باغ» شناخته می شد. این ساختمان ها معمولاً طرحی چهار قسمتی با پلانی صلیبی، احیاناً چند اشکوبه (طبقه) با دیدی فراگیر بر روی باغ (پیشگاه) بود. عمارت آن معمولاً در مقابل یک استخر بزرگ و نهر آب قرار می گرفت و با نقاشی ها، کاشی های لعاب دار و دیگر آثار هنری تزیین می شد (پتروچیولی، ۱۳۹۱ : ۲۷۸). یک کوشک در ساده ترین شکل می تواند سکویی با نرده در زیر یک درخت باشد که در مینیاتورهای این دوره به وفور دیده می شود (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷ : ۱۶۵۸)؛ (جدول ۱).

«میدان و باغ صاحب آباد» مرکز حکومتی ترکمانان در تبریز پس از فروپاشی حکومت جانشینان تیمور در هرات و به

موجود در رابطه با تاریخ شکل گیری و معماری کاخ های ایران و توران، و توصیف و بررسی تحولات معماری این کاخ هاست. این در حالی است که هیچ کدام به تحلیل معماری و چگونگی سیمای کاخ هشت بهشت تبریز اندک اشاره ای نکرده و فقط در حد توصیفات ظاهری، مطالبی جزئی را ارائه کرده اند (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴ : ۲۵۰-۴۸؛ ویلبر، ۱۳۹۰ : ۹۶-۱۰). همچنین بلر و بلوم در کتاب هنر و معماری اسلامی (۲)، به توصیف برخی کاخ های اسلامی از جمله : کاخی هشت وجهی در عصر ایلخانی و نیز کاخ های هشت بهشت قزوین و اصفهان پرداخته اند (بلر و بلوم، ۱۳۹۱ : ۹۰-۱۰۷). هرچند تحقیقات هیلن براند در این زمینه بسیار ارزشمند است (هیلن براند، ۱۳۹۳ : ۴۶۰-۳۷۷)، با این حال روند شکل گیری نخستین نمونه هشت بهشت و چگونگی برهم کنش ساختار فضایی آن بر نمونه های پس از خود مورد مطالعه قرار نگرفته است. در رابطه با مطالعات داخلی، پژوهش های صورت گرفته در زمینه کاخ هشت بهشت، منحصر به مکان یابی جغرافیایی کهن ترین نمونه موجود در تبریز بوده و تحلیل روشنی از پلان و ساختار فضایی آن به دست نمی دهد (بدلیسی، ۱۳۷۷ : ۱۲۶؛ عمرانی و امینیان، ۱۳۸۶ : ۲۰-۲). از طرفی اشارات کلی و بررسی روابط فضایی بافت شهری و موقعیت مکانی هشت بهشت تبریز (حناچی و نژاد ابراهیمی، ۱۳۸۵ : ۱۹-۳) این دشواری را دو چندان کرده است.

باغ های تیمور در سمرقند و پیرامون آن

تیمور از بازماندگان بدویانی بود که دهه هایی از زندگی اش را به هر چه باشکوه تر کردن پایتختش سمرقند گذراند و کمربندی از باغ ها به وجود آورد و نام شهرهای معروف اسلامی از قبیل «قاهره»، «دمشق»، «بغداد»، «سلطانیه» و «شیراز» را بر آنها نهاد. این باغ ها، چون حلقه ای شهر سمرقند را احاطه کرده بودند^۲ (ویلبر، ۱۳۹۰ : ۵۷. Golombek, 2006; 140).



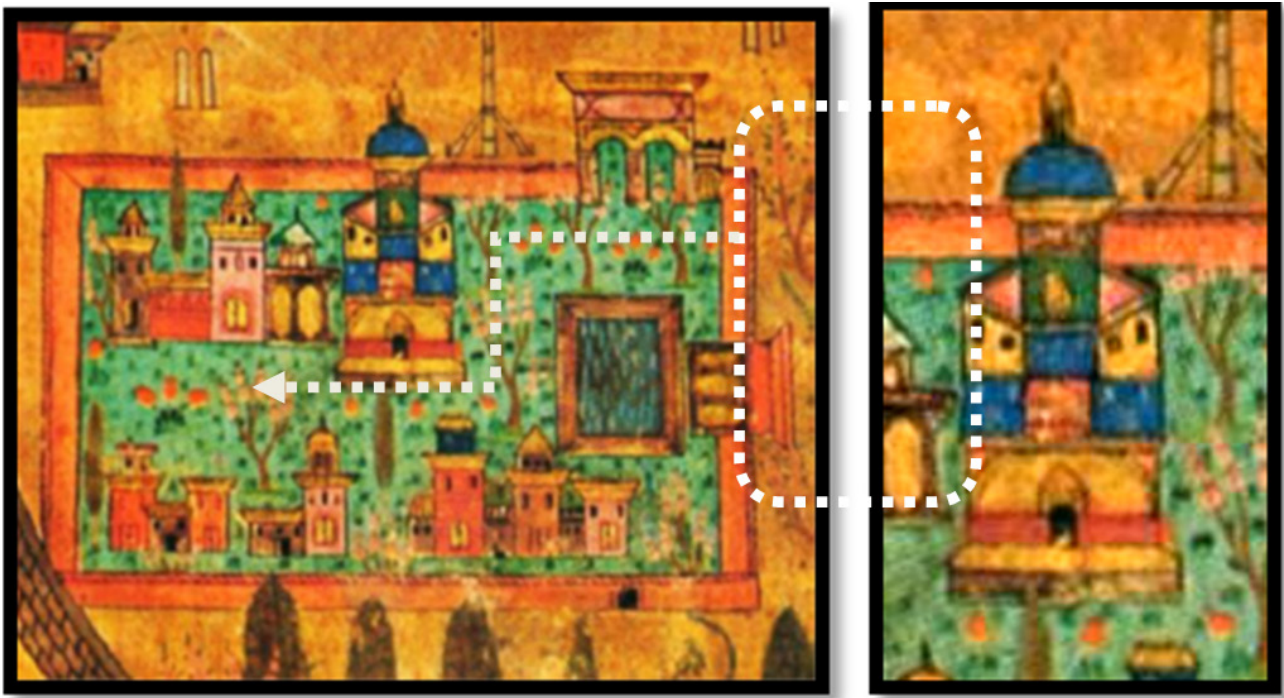
تصویر ۱. بخشی از مینیاتور منسوب به مطراقچی نسخه خطی ۵۹۶۴، برگ های ۳۱-۳۲، از شهر تبریز که در آن میدان صاحب آباد، مجموعه نصریه و کاخ هشت بهشت مشاهده می شود. مأخذ : رئیسی نیا، ۱۳۸۹ : ۸۷.

با استناد به منابع، عمارات ساخته شده پیرامون این میدان، شامل کاخ «هشت‌بهشت»^۲، «مجتمع نصریه» اوزون‌حسن است که پسرش یعقوب بنای آن را پی گرفت، و مرکب از یک مسجد، یک مدرسه، دارالاطعام که برای فقرا غذا تهیه می‌کرد و نیز یک بیمارستان بود. همچنین کاخ با میدان، مسجد و بیمارستان ارتباط داشته است (بلر و بلوم، ۱۳۹۱: ۱۰۵). بسیاری از این آثار یا به دلیل زلزله‌های ویرانگر و یا به علت تهاجمات خارجی از جمله حملات عثمانی‌ها، نابود شده و اثری از آنها تا امروز باقی نمانده است (حسن‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۱۸)؛ (تصویر ۱)

«هشت» از منظر اسلام

تاجر ونیزی در توصیف کاخ هشت‌بهشت اشاره می‌کند: «... این کاخ را به زبان فارسی هشت‌بهشت خوانند که در زبان ما به معنی هشت‌بخش است، زیرا هشت قسمت شده است» (کنترینی و زنوکتارینو، ۱۳۸۱: ۴۱۴). در دیدگاه مسلمانان، هفت دوزخ و هشت بهشت وجود دارد؛ زیرا رحمت خدا از غضبش پیشی گرفته است. تقسیم باغ‌ها به چهار یا هشت بخش که در ایران و هند مسلمان رواج دارد، بازتابی از این باور است. زیرا قرآن «باغ‌هایی را که رودها زیر آن جاری‌اند وعده داده است و این گونه

قدرت رسیدن ترکمانان قراقویونلو، «جهانشاه» با انتقال مرکزیت سیاسی به تبریز و کوچاندن بسیاری از معماران و هنرمندان تیموری به پایتخت خود، زمینه‌ساز ایجاد سبک خاصی از معماری در تبریز شد. در این میان میدان صاحب‌آباد به عنوان «دولتخانه» مورد توجه قرار گرفت؛ گرچه با روی کار آمدن سلاطین آق‌قویونلو (۷۸۰-۹۰۸ ه.ق) و انتخاب تبریز به عنوان پایتخت، «میدان و باغ صاحب‌آباد» بیش از پیش مورد توجه خاص این سلاطین قرار گرفت، چنانچه با توسعه این مکان توسط سرکرده آق‌قویونلوها (اوزون‌حسن) این مجموعه به عنوان مقر حکومتی سلاطین آق‌قویونلو انتخاب شد (بانی مسعود، ۱۳۸۴: ۴). مجموعه باغ و میدان صاحب‌آباد، به عنوان مکان استقرار کاخ «هشت‌بهشت»، در یک دوره مشخص و با طرحی از پیش اندیشیده شده، با توجه به شرایط خاص اجتماعی-سیاسی شکل گرفته است (همان). قابل ذکر است اوزون‌حسن با تداوم و توسعه فعالیت‌های عمرانی و ساخت و ساز پیرامون میدان صاحب‌آباد به نوعی باعث کارکردهای چندگانه این میدان شد. همچنین شرایط اقلیمی مناسب و افزایش تعاملات سیاسی-اقتصادی، باعث ایجاد و گسترش بسیاری از واحدها و بناهای اداری و حکومتی، پیرامون میدان صاحب‌آباد و حتی افزودن کارکردهای تفریحی و سرگرمی به این میدان شد.



تصویر ۲. کاخ هشت‌بهشت تبریز آن گونه که مطراقچی در نسخه خطی ۵۹۶۴، برگ‌های ۳۱-۳۲، کشیده است. توضیحات ونیزیان در رابطه با صفا و ازاره با طرح وی کاملاً منطبق است. مأخذ: مطراقچی، ۱۳۷۹: ۸۷.

۷۳/۱۵۲ متر) بوده است.

تاجر ونیزی در رابطه با سایر ابعاد ساختمان می‌گوید: «کاخ را در مرکز باغی بر صفه‌ای ساخته‌اند، ارتفاع صفه یک یارد و نیم (۱/۳۷ متر) و پهنایش پنج یارد (۴/۵۷ متر) است. در جلوی هر یک از درهای کاخ راهی با مرمر سنگ‌فرش کرده‌اند، که به صفه منتهی می‌شود. در جلوی در اصلی کاخ نیز، پلکانی کوچک از بهترین مرمرها ساخته‌اند که از آن به صفه می‌روند. سه یارد (۲/۷۴۳ متر) بالاتر از صفه را با سنگ مرمر اعلا ساخته‌اند. این منظره از دور مانند آینه نمایان است (کنتارینی و زنوکتارینو، ۱۳۸۱: ۴۱۵)؛ (تصویر ۲).

در رابطه با بناهای شمال غرب ایران، بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی در اقلیم آذربایجان، احداث بنا بر روی ازاره‌های سنگی را ضروری می‌سازد (Mousavi, 2011; 124)، از این رو به جهت ترفیع مشکل رطوبت صعودی و مشکل یخ‌زدگی ناشی از آن، استفاده از سنگ در لایه‌های متصل به زمین لازم و ضروری می‌نماید. در همین راستا، مطابق توضیحات ونیزیان، هشت‌بهشت بر روی صفه‌ای سنگی قرار داشته که ارتباط با سایر اجزای بنا و صفه از طریق ازاره سنگی صورت می‌گرفته است.

بازشناسی پوشش و معماری گنبد در سازه هشت‌بهشت

تاجر ونیزی در توصیف خود از هشت‌بهشت اشاره می‌کند: «... و بقیه کاخ عبارت است از گنبدی مدور و زیبا» (کنتارینی و زنوکتارینو، ۱۳۸۱: ۴۱۴). بر همین اساس، وی در ادامه ضمن تمایز بین بخش‌های مختلف درون کاخ، گنبدخانه را فضایی مجزا از هشت بخش یاد شده، دانسته و از آن با عنوان «بقیه کاخ» نام برده است. آنچه که پیرامون معماری گنبد در سازه هشت‌بهشت باید ذکر شود، چگونگی شیوه دسترسی به گنبد است. قابل ذکر است با توجه به کاربرد «تاق‌بندی» در بسیاری از بناهای عصر ایلخانی، در قرن هشتم قمری رواج تاق‌بندی بیشتر می‌شود. با توجه به استفاده از تاق‌بندی در بسیاری از بناهای این دوره، همچون، مسجد میرعماد کاشان و مسجد کبود تبریز (اثر، ۱۳۷۰: ۵۴)، و مینیاتور برج‌های مانده از ترکمانان (آژند، ۱۳۹۲: ۴۷۵)، تصور نگارندگان بر این است که در فضای معماری هشت‌بهشت، شیوه دسترسی از «گریو» به گنبد از طریق روش «تاق‌بندی» بوده است.

نکته‌ای که نباید از آن غافل شد، تشابهات گنبد سازه هشت‌بهشت (علاوه بر گنبد گور امیردر سمرقند)، با گنبد مینیاتور ترکمانان است: چراکه بهترین مشابه برای گنبد هشت‌بهشت، گنبد دوپوسته و بزرگ ساخته شده بر روی گریوار بلند مینیاتور ترکمانان، است که بیرون آن با گنبد پیازی شکل و آبی درخشان بر بالای کاخ درخشش زیبایی دارد.

گنبدی بر روی ساقه‌ای بلند، که هم ارتفاع و عظمت ظاهر را به

باغ هشت‌بخشی می‌تواند نشان دهنده سعادت بهشتی باشد (شیمل، ۱۳۹۱: ۱۷۲-۱۷۱). احتمالاً این باغ می‌توانسته، پیرامون یک فضای معماری را احاطه کرده باشد. از این رو در هنر و معماری اسلامی، عدد هشت اشاره به هشت فرشته‌ای دارد که طبق این آیه اورنگ الوهیت را در قیامت حمل می‌کنند؛ بنابراین هشت‌بهشت وصف شده در قرآن، هشت گوشه دارد و بر همین مبنای هشت‌درب نیز برای آن قائل شده‌اند. نام هشت‌بهشت یا هشت‌درب بهشت برای این فضای معماری، مبتنی همین مفاهیم است (تقوایی، ۱۳۹۰: ۱۵۱). همچنین از منظر حکمت اسلامی، صورت هشت‌گوش یک کوشک، بازتاب عرش‌الهی است، که طبق سنن و احادیث اسلامی بر دوش هشت فرشته جای گرفته است (طوسی و امامی‌فر، ۱۳۹۰: ۷۰) و شاید به همین جهت است که چنین کوشک‌هایی را با علاقه روی سکوه‌های وسط دریاچه یا برکه می‌ساختند. این طرح نمونه‌ای از دست‌یابی به سعادت بهشتی است (شیمل، ۱۳۸۶: ۳۵۳).

توصیف فضای معماری هشت‌بهشت براساس منابع تاریخی

موثق‌ترین منبعی که به توصیف دقیق مجموعه «هشت‌بهشت» پرداخته است، سفرنامه تاجر ونیزی است. او در بخشی از سفرنامه خود در توصیف مجموعه هشت‌بهشت می‌نویسد: «...کاخ حسن‌بیگ چنان باشکوه است که تاکنون در ایران همانندی نداشته است. کاخ را در مرکز باغی بزرگ و زیبا نزدیک شهر ساخته‌اند که فقط نهری در سمت شمال، قصر و شهر را از همدیگر جدا می‌کند (کنتارینی و زنوکتارینو، ۱۳۸۱: ۴۱۴). با استناد به مینیاتور مطراقچی و موقعیت قرارگیری مجموعه هشت‌بهشت در باغ صاحب‌آباد و پیرامون میدان، می‌توان این گونه استنباط کرد که مجموعه باغ و کاخ هشت‌بهشت در پی تحولات شهرسازی جاری در دوران ترکمانان در بیرون از بافت شهری قرار گرفته‌اند (عمرانی و امینیان، ۱۳۸۶: ۱۳-۲؛ حناچی و نژادابراهیمی، ۱۳۸۵: ۲۱-۴). تاجر گمنام ونیزی همچنین اشاره می‌کند: «...بلندای آن سی قدم و محیطش در حدود هفتاد یا هشتاد یارد است و به هشت بخش تقسیم شده است و هر بخش به چهار اتاق و چهار اتاق انتظار منقسم شده است» (کنتارینی و زنوکتارینو، ۱۳۸۱: ۴۱۴). تصور بانی مسعود بر این است که منظور از بلندی، طول عمارت است نه ارتفاع آن، چون بعید به نظر می‌رسد جهانگرد اندازه ارتفاع را به قدم بیان کند. در موارد مشابه در جای جای سفرنامه در ذکر اندازه‌های بناها او از قدم برای اندازه طول استفاده کرده است (بانی مسعود، ۱۳۸۴: ۷).

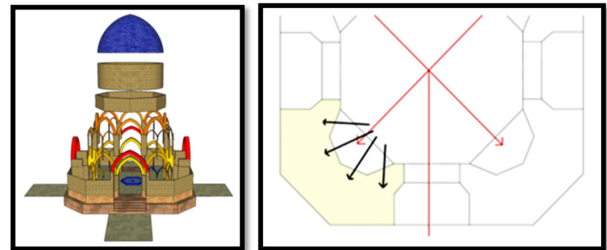
براساس محاسبات انجام شده، هر یارد (عمید، ۱۳۷۵، ذیل کلمه یارد)، معادل ۹/۱۴۴ متر است. از این رو محیط کوشک هشت‌بهشت هفتاد یارد (۶۴/۰۰۸ متر) و یا هشتاد یارد

هشت وجهی منتظم بنا شده است، در پوشش گنبد خود وامدار بناهای عصر تیموری با گنبد‌های دوپوسته بر روی گریوار بلند بوده است؛ شیوه‌ای که معمار، علاوه بر جلوگیری از فشارهای وارده بر تاق‌ها و دیوارها، جنبه بصری و زیباشناختی بنا را نیز به طور ملموسی لحاظ کرده است (تصویر ۳).

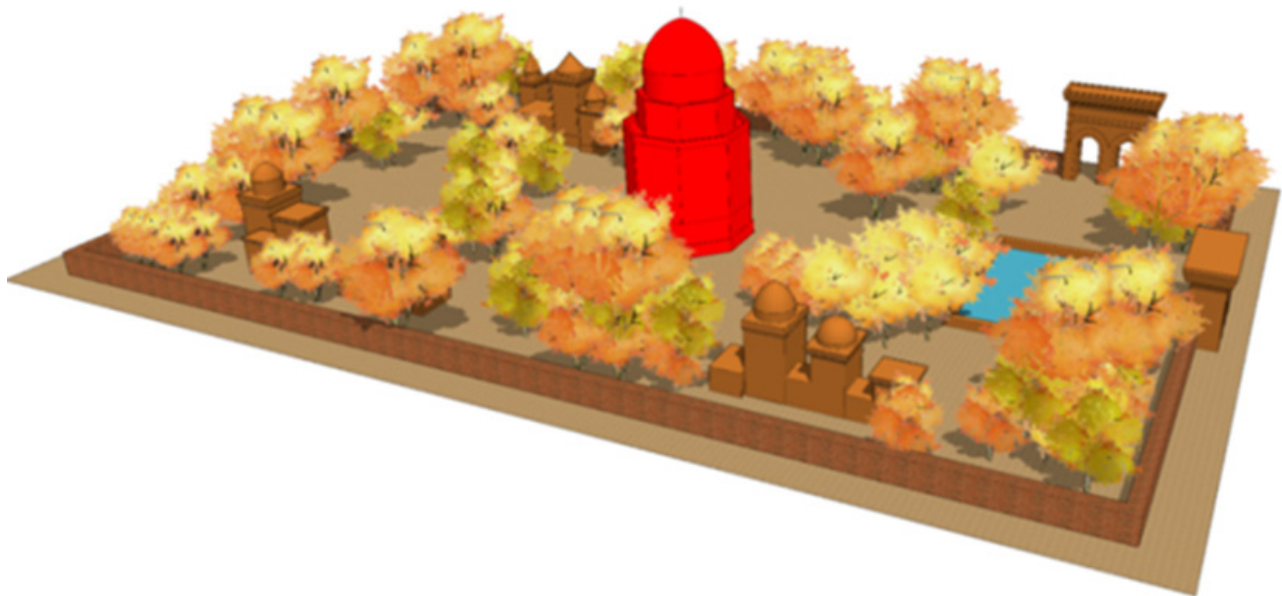
تأملی پیرامون کاربری‌های جانبی کاخ هشت‌بهشت تبریز
تاجر ونیزی پس از توصیف هشت‌بهشت، در باب دیگر کاربری‌های جانبی کاخ اشاره می‌کند: «... به مسافت پرتاب تیری از کاخ، حرمسرای یک طبقه‌ای دیده می‌شود که از بس بزرگ است، هزار زن به راحتی می‌توانند در اتاق‌های گوناگون آن به سر برند. در یک سوی این حرمسرا تابستانگاهی است به بزرگی چهاریارد مربع (۳/۶۵۷ متر) که آن را با مینا و طلا و لاجورد با طرح‌هایی که دیدنش به راستی شگفت‌انگیز است آراسته‌اند. در اینجا شاه‌بانو با دوشیزگان ندیم خود، بنا بر رسمی که ایرانیان دارند به سوزن‌دوزی سرگرم است» (کنتارینی و زنوکتارینو، ۱۳۸۱: ۴۱۶-۴۱۷).

«در سمت شمال باید از جایی معین که مانند «نمازخانه» است و آن را آجر فرش کرده و بر گردش کرسی‌هایی از سنگ مرمر نصب کرده‌اند، گذشت. این مکان چندان بزرگ است که ۳۰۰ اسب در آن جای می‌گیرد و در زمان حسن بیگ امیرانی که به دربار می‌آمدند در اینجا پیاده می‌شدند. در این مکان دری است که به باغ، به راهی منتهی به کاخ پادشاهی باز می‌شود و درگاه آن تاقی است که بلندایش پانزده یارد (۱۳/۷۱۶ متر)

رخ می‌نمایند، و هم هماهنگی فضای داخلی را تأمین می‌کرد (بلرو بلوم، ۱۳۹۱: ۹۷-۹۲). این در حالی است که بسیاری دیگر از مقابر و بناهای تیموری - به‌ویژه مقابر شاه زنده در سمرقند - دارای همین سبک گنبدسازی هستند (ویلبرو همکاران، ۱۳۷۴: ۱۵۷-۱۲۰). باید اشاره کرد این سبک پوشش بناهای تیموری، در مسجد کبود تبریز نیز اجرا شده بود (گنبدی بلند بر روی گریو)، گرچه گنبد اصلی این مسجد، طی زلزله‌های متعدد تبریز ویران شده و گنبد فعلی بازسازی نادرستی از گنبد قبلی است (ذکاء، ۱۳۶۸: ۱۸۵). در پایان، به نظر می‌رسد، کاخ هشت‌بهشت همچون بناهای هم عصر خود (ویلبرو همکاران، ۱۳۷۴: ۱۲۰-۱۵۷؛ بلرو بلوم، ۱۳۹۱: ۹۷-۹۲)، دارای گنبد دو پوسته میان‌تهی بر روی گریوار بلند، که بر روی یک نقشه



تصویر ۳. سمت راست، شماتیک عناصر برابر در سازه هشت‌بهشت و موقعیت قرارگیری آنها، رنگ قرمز، «قوس پنج او هفت تند» سردر ورودی؛ رنگ زرد، همان قوس در طبقه اول؛ رنگ نارنجی، همان قوس در طبقه دوم. مأخذ: نگارندگان. تصویر سمت چپ، پلان دسترسی به فضاهای مختلف کاخ هشت‌بهشت تبریز. مأخذ: طرح از نگارندگان.



تصویر ۴. طرح بازسازی شده با تأکید بر کاربری‌های جانبی کاخ هشت‌بهشت در باغ صاحب‌آباد تبریز، با استناد به مینیاتور مطراقچی و یادداشت‌های تاجر ونیزی. مأخذ: نگارندگان.

خلوت گاه حاکم می شده است، و با فاصله از کاخ خصوصی شاه ساخته شده است.

با توجه به گفته‌های تاجر ونیزی و استناد به مینیاتور مطراقچی، کاربردهای چندگانه مجموعه هشت‌بهشت واقع در باغ صاحب‌آباد کاملاً نمایان است چنان‌که اوزون‌حسن با ساختن مسجد، بر کارکرد مذهبی آن صحنه گذاشت (بانی مسعود، ۱۳۸۴ : ۱۰-۹). این مجموعه به دلیل دارا بودن کارکردهای مختلفی از جمله تفریحی و سرگرمی، سکونتی، حکومتی، مذهبی و خصوصی، دارای کلیه شاخصه‌های یک «باغ‌شهر» بوده، و در واقع اوزون‌حسن با گردآوری این نهادها پیرامون شهر تبریز، یک مجموعه جدید شهری متأثر از اقلیم، پدید آورد که به نوعی تداوم مجموعه باغ‌شهرها و مجموعه‌های چندکارکردی تیمور در سمرقند است، شاید هم آغازی دیگر برای مجموعه باغ‌شهرهای توسعه یافته دوران صفوی در اصفهان باشد (شاهیچراغی، ۱۳۸۹ : ۵۸؛ محبعلی، ۱۳۹۰ : ۲۷)؛ (تصویر ۴).

تحلیلی بر تأثیرات و تحولات الگوی معماری هشت‌بهشت تبریز در کاخ‌های ایران و سرزمین‌های همجوار

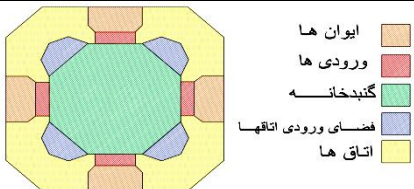
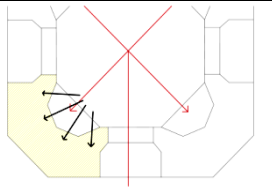
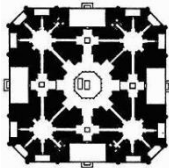
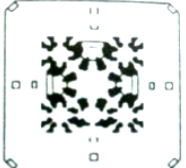
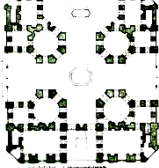
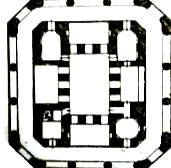

ویژگی‌های معماری تیموری تا دوردست‌ترین نقاط غرب جهان اسلام رخنه کرد (Okane, 1998: 256). قابل ذکر است موقعیت جغرافیایی آذربایجان و تنش‌های سیاسی- نظامی مستمر با دولت عثمانی در انتشار فرم معماری هشت‌بهشت و بازتاب آن در چینیلی کوشک عثمانی مؤثر بوده است؛ و سپس در دوره بعد (صفوی) در نتیجه همان تعاملات به مرکز ایران منتقل شد. همچنین، در رابطه با سرزمین‌های شرق

و پهنایش چهار یارد (۳/۶۵۷ متر) است. در دیگری که در سمت مشرق است، در میدانی بزرگ قرار دارد و به باغ باز می‌شود. این در، درگاهی آجری به شکل تاق دارد که ارتفاعش سه یارد (۲/۷۴۳ متر) و پهنایش دو یارد (۱/۸۲۸ متر)، و خالی از هرگونه تزیینات است. در هشتی آن چشمه و حوضی زیبا دیده می‌شود. بر فراز این درگاه «بالاخانه» ای بزرگ با اتاق‌های بسیار و تالاری سرپوشیده ساخته‌اند که مشرف به باغ است. هر وقت مراسم جشن در این میدان برپا می‌شد، حسن‌پیگ با بسیاری از امیران خود به این عمارت می‌آمدند، و غالباً هنگامی که سفیران به درگاه اوزون‌حسن می‌آمدند، ایشان را در این ساختمان جای می‌دادند، و از این نقطه منظره باشکوه میدان دیده می‌شود، با بیمارستانی که در آن ساخته‌اند (همان : ۴۱۸).

چنان‌که عون‌اللهی می‌گوید : «... در مجموعه «هشت‌بهشت» مسجد، مدرسه، بیمارستان، مهمان‌خانه، حرم‌خانه، اتاق‌های مهمانی، بارعام، ملاقات و استراحت شاه وجود داشت» (عون‌اللهی، ۱۳۸۹ : ۲۳۸-۲۳۹).

با استناد به توصیفات ارایه شده توسط تاجر ونیزی، پیرامون نوع کاربری فضای معماری (بالاخانه)، تصور بر این است که این مکان باید «عمارت سردر» بوده باشد که دارای بالاخانه و تالاری سرپوشیده و اتاق‌های بسیار، و همین‌طور مشرف به باغ بوده است. همچنین نوع کاربری مکانی که اوزون‌حسن میهمانان و سفیران را در آن جای می‌داده است، می‌تواند همان عمارت «کوشک» باشد که حاکم برای پذیرایی از سفیران و مهمانان ترتیب می‌داده است، و این امر مانع از ورود و دخول مهمانان و سفیران به حرم خصوصی و یا

جدول ۲. تطبیق و تأثیرات پلان و فضاهای درونی کاخ هشت‌بهشت تبریز بر کاخ‌های پس از خود در ایران و خارج از مرزهای آن. مأخذ : نگارندگان.

تفکیک فضایی هشت‌بهشت تبریز و فضاهای معماری آن. مأخذ : نگارندگان.		پلان دسترسی به فضاهای مختلف کاخ هشت‌بهشت تبریز. مأخذ : نگارندگان.		
				
پلان چینیلی کوشک عثمانی. مأخذ : نگارندگان.	پلان کوشک سلطنتی قزوین. مأخذ : هیلن براند، ۱۳۹۳.	پلان هشت‌بهشت اصفهان. مأخذ : هیلن براند، ۱۳۹۳.	پلان آرامگاه همایون‌شاه گورکانی. مأخذ : بلرو بلوم، ۱۳۹۱.	پلان تاج‌محل، آگرا، هند. مأخذ : www.Archnet.org
				

اقتباس را از سر گذرانیده است (جدول ۲).

کاخ هشت‌بهشت اصفهان

کوشک دو طبقه معروف به «هشت‌بهشت» اصفهان، در زمان سلیمان اول یا صفی دوم برپاشده، ویژگی کاملاً متفاوتی با دیگر کوشک‌های صفوی دارد. از متون تاریخی برمی‌آید که این عمارت که در سال ۱۰۷۹ قمری ساخته شده است، اشاره به نوع خاصی از کاخ‌ها دارد که از سده نهم قمری در هرات و تبریز ساخته شده است. خاستگاه این نوع کاخ را در چینیلی کوشک عثمانیان در استانبول باید جستجو کرد، که سلاطین گورکانی هند هم از آن برای مقابر سلطنتی خود بهره گرفتند (بلرو بلوم، ۱۳۹۱: ۴۹۰-۴۸۹؛ Okane, 1998: 255-256). ورود به این باغ با سردری مجلل و دورو همراه بود، که یک روی آن مشرف به چهار باغ و حوض بزرگ پای آن، و روی دیگرش مشرف به قصر وسط باغ بود (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۳: ۳۳۲)، که در زمان حاضر اثری از آن باقی نیست. این باغ را «باغ بلبل» یا «باغ هشت‌بهشت» نیز نامیده‌اند (شاردن، ۱۳۴۹: ۳۲۶؛ کمپفر، ۱۳۵۰: ۲۱۲). بررسی پلان و عناصر معماری و نیز فضاهای ورودی کاخ هشت‌بهشت اصفهان، نمایانگر این است که این کاخ به گونه‌ای صورت تکمیل شده همان هشت‌بهشت تبریز است؛ کاخی که خود، ریشه در سبک خاص معماری تیموریان داشته است، سبکی شاخص و در حال پیشرفت، که در هردوره، به فراخور شرایط اقلیمی و زمانی، راه تکامل و خلاقیت را طی کرده است.

باغ آرامگاه همایون شاه گورکانی

«ظهیرالدین محمدبابر» از نوادگان تیمور و فرزندانش، دولتی جدید در هندوستان تشکیل دادند که اروپاییان آن را «مغول کبیر» نامیدند. در میان امپراطوران مغولی هند هیچ کدام مانند «نصیرالدین محمد همایون»، پسر بابر امپراطور هند از لحاظ خصوصیات ایرانی و توجه و علاقه به فرهنگ ایران مشخص و ممتاز نیستند، وی در زمان حکومت «شیرشاه سور»، مدت ۱۵ سال را در تبعید در سنده، ایران و افغانستان گذراند (بلرو و بلوم، ۱۳۹۱: ۶۹۵). «... همایون که از سرزمین خود رانده شده، و به ایران و شاه طهماسب پناه آورده بود، سخت مورد پیشواز و پذیرایی شاهانه قرار گرفت و به سال ۹۵۲ هجری چون برآن شد از تبریز و اردبیل نیز دیدن نماید (اسکندریبگ ترکمان، ۱۳۸۲: ۱۰۰). آرامگاه همایون که آغاز دوره جدیدی در معماری هند است، نمونه‌ای از یک باغ آرامگاه هندی است با محور صلیبی، که وجود استخر، آبگیر و یک کوشک کوچک در باغ، بر زیبایی آن افزوده است (Ruggles, 1997; 174). چینگ، یارتسومبک و دیتیاپراکاش، ۱۳۸۹: ۴۷۲). این نوع نقشه که اغلب به فارسی به هشت‌بهشت شهرت داشت، در زمان تیموریان ایران به کار می‌رفت

اسلامی، حضور نمایندگان دولت «گورکانیان هند» و روابط حسنه آنان با دربار صفویه (بلرو و بلوم، ۱۳۹۱: ۷۱۹-۷۱۰)، را باید ناقل فرم هشت‌بهشت در شبه قاره هند دانست.

چینیلی کوشک عثمانی

یک نمونه شاخص متأثر از کاخ هشت‌بهشت تبریز، «چینیلی کوشک» عثمانی است که سلطان «محمدفاتح» آن را در سال ۸۷۷ قمری در «توپقایی سرای» استانبول ساخت. «نقشه متمرکز و قرینه‌ای»، «تاق‌بندی سکنج» و «تزیین کاشیکاری» آن همه از عناصر خاص معماری تیموری بود، ولی به احتمال زیاد الگوی بلافصل آن که امروزه ناپدید شده، عمارات ترکمانان در غرب ایران و شرق آناتولی به‌ویژه کاخ هشت‌بهشت در تبریز بوده است (بلرو بلوم، ۱۳۹۱: ۱۰۷-۱۰۶). همچنین در توصیف چینیلی کوشک این‌گونه ذکر شده است: «سازمان‌بندی فضایی» عمارت شبیه عمارات ایرانی از نوع هشت‌بهشت است که نمونه‌های متأخر آن در ایران و هند باقی مانده است، ولی بهترین و عمده‌ترین اطلاعات درباره آن از وصف هشت‌بهشت تبریز ساخته شده در زمان فرمانروای آق‌قویونلو به دست آمده است. شبکه تاق‌بندی آن نیز وامدار الگوها و نمونه‌های ایرانی (هشت‌بهشت تبریز) است (همان؛ (جدول ۲).

پیرامون کوشک سلطنتی قزوین

با پایان یافتن حکومت ترکمانان آق‌قویونلو و به قدرت رسیدن دولت صفوی (۹۰۷ ه.ق)، تبریز همچنان به عنوان پایتخت این دولت باقی ماند، چنانکه دوران پادشاهی شاه‌اسماعیل اول و بیش از نیمی از پادشاهی شاه‌طهماسب اول (۹۳۰-۹۶۲ ه.ق) در این شهر سپری شد. از این رو مرکز حکومتی آق‌قویونلو به دست آنان افتاد و میدان صاحب‌آباد و کاخ هشت‌بهشت نیز همچنان مورد استفاده شاهان اولیه صفوی و درباریان قرار گرفت. چنانکه آمده است: «اسماعیل هر روز به میدان (صاحب‌آباد) می‌آمد و با امیران سرگرم تیراندازی می‌شد، و نیز هنگامی که، اسماعیل در میدان حاضر می‌شد به افتخارش آلات طرب می‌نواختند (کنتارینی و زونکاترینو، ۱۳۸۱: ۴۵۶). مؤلف کتاب ارزشمند «معماری اسلامی» کوشک سلطنتی قزوین را این‌گونه توصیف می‌کند: «کوشک سلطنتی قزوین برخی از ویژگی‌های هشت‌بهشت را در مرحله نارس و جنینی آشکار می‌سازد (هیلن براند، ۱۳۹۳: ۴۳۲). از آنجاکه شاه طهماسب سال‌ها در تبریز و کاخ هشت‌بهشت حضور داشته، به نظر می‌رسد، بعد از انتقال پایتخت به قزوین، خواهان برپایی نمونه‌ای از آن کاخ در قزوین بوده است، چرا که کوشک سلطنتی قزوین، از نظر پلان و فضاهای ورودی با هشت‌بهشت تبریز هم پوشانی داشته؛ گرچه، مرحله ابتدایی

۱۳۸۱: ۴۱۹-۴۱۴) و مینیاتور مطراقچی (مطراقچی، ۱۳۷۹: ۸۷) که موثق‌ترین منبع موجودند، کاخ هشت‌بهشت تبریز بر روی صفا‌ی به ارتفاع ۱/۵ و پهنای ۵ یارد بنا شده، و ۳ یارد بالاتر از صفا را با سنگ‌های مرمر آراسته‌اند. تاجر ونیزی اشاره می‌کند: «... و باید گفت این کاخ در زیر یک سقف ساخته شده است یا باید گفت بنایی یک طبقه است و برای رسیدن به گنبد و اتاق‌ها و اتاق‌های انتظار یک پلکان ساخته‌اند. راه ورود به اتاق‌ها و اتاق‌های انتظار از محوطه زیر گنبد است. این ساختمان در طبقه هم‌کف زمین چهار مدخل دارد، با اتاق‌های بسیار دیگری که همه اینها به طرق مختلف کاشی‌کاری و تذهیب شده و چنان زیباست که مشکل بتوان کلماتی برای شرح و وصف آنها یافت» (کنترینی و زونکاترینو، ۱۳۸۱: ۴۱۵-۴۱۴). هرچند در متن سفرنامه (همان) اشاره بر تک‌اشکوب بودن فضای هشت‌بهشت است، با این حال در جای جای متن نشان از پلکانی است که نویسنده کاربری آن را جهت دسترسی به بخش‌های بنا عنوان کرده است؛ پرواضح است کاربرد پلکان هم‌راستا با هدف دستیابی به طبقات بالاتر است. این در حالی است که تناسبات معماری اعمال شده در مینیاتور مطراقچی، همچنین مینیاتور موجود از مکتب ترکمانان، بیانگر بنایی با تناسبات کشیده مختص معماری منطقه آذربایجان و سبک خاص معماری تیموری است که با تک‌اشکوب بودن بنا در تناقض است. به نظر می‌آید، منظور نویسنده (تاجرونیزی) از یک طبقه بودن بنا، وجود تنها یک اشکوب بر روی تالار اصلی است. چرا که در ادامه مطلب تأکید بر وجود «طبقه همکف» می‌تواند دلیل بر وجود طبقه‌ای دیگر به غیر از «طبقه همکف» باشد. در توصیفات تاجر ونیزی از فضای درونی کاخ، ظاهراً فضای گنبدخانه به جهت محوریت توسط عناصر درونی، فاقد نورگیری مستقیم بوده و روشنایی آن از طریق ارتباط فضایی اتاق‌ها و کفش‌کن‌ها برقرار بوده است. از آنجایی که بخش درونی هر چهار اتاق توسط کفش‌کن به فضای گنبدخانه منتهی می‌شد، الگوی معماری هر بخش از هشت‌بهشت تنها در صورتی قابل قبول خواهد بود که چیدمان فضایی و ارتباط فضایی اتاق‌ها توسط یک فضای تقسیم، که امکان دسترسی یکسان و قرینه‌وار به هر کدام از اتاق را فراهم می‌آورده است، با عبور از کفش‌کن‌ها به اتاق‌ها برسد. این طرح تنها هنگامی عملی خواهد بود که فضای تقسیم در چهار ضلع مساوی، بخشی از یک هشت وجهی منتظم باشد، در این صورت، حالت پیمانی مدولار در همگن بودن طرح کلی و فضاهای داخلی ترفیع خواهد شد. طبق متن سفرنامه، امکان دسترسی به فضای گنبدخانه از طریق چهار ورودی اصلی در چهار ضلع بنا که مقابل هر یک توسط مرمر، کف‌سازی شده است فراهم می‌شده است (همان: ۴۱۵). در این پژوهش با

(بلر و بلوم، ۱۳۹۱: ۶۹۸). این مقبره مناسب آرامگاه‌سازی سلطنتی ایران بود. مثلاً در مقبره الجایتو در سلطانیه، در مقبره تیمور در سمرقند و سپس در کاخ هشت‌بهشت تبریز اجرا شده و نشان می‌دهد که سازنده آن آگاهی کاملی از ویژگی‌های معماری عهد تیمور داشته است. نکته‌ای که قابل ذکر است اینکه همایون و حمیده‌بانو (همسرش)، هنگام اقامت در ایران از قزوین، تبریز و گنبدسلطانیه دیدن کرده‌اند (غروی، ۱۳۴۹: ۲۳۲-۲۲۸)، از این رو محتمل است سبک باغ‌آرامگاه او به صورت آرامگاهی در باغ و به شکل ۹ قسمتی و پلان هشت وجهی آرامگاه با گنبد دوجداره بلند بر روی گریو، از نمونه‌هایی است که می‌تواند از سبک معماری کاخ هشت‌بهشت تبریز ملهم شده باشد (جدول ۲).

باغ آرامگاه تاج‌محل

مطالعات گلمبک نشان داده که باغ‌های تیموری الگویی برای تاج‌محل بوده‌اند. نمونه‌هایی از باغ‌های تیموری در دوران مغولان کبیر در قرن ۱۶-۱۷ میلادی در شهرهای «آگرا»، «لاهور» و «دهلی» دیده شده است. معمولی‌ترین شکل آن با کوشک در مرکز یک آبگیر (استخر) دیده شده، که با کانال‌هایی در تقاطع آبگیرها ساخته شده‌اند. نمونه کاملی از این گونه باغ‌ها تاج‌محل است. به این صورت که در اینجا کوشک در انتهای باغ سلطنتی است (بلرو و بلوم، ۱۳۹۱: ۷۱۱؛ Golombek, 2006; 139). باید اشاره کرد تاج‌محل و نیز مقبره اعتمادالدوله هر دو دنباله روی پلان ۹ بخشی هشت‌بهشت که در هند ساخته شدند، هستند. البته تاج‌محل دارای کتیبه‌هایی نیز است که حاوی مطالبی مذهبی از معاد و آخرت‌شناسی نیز است (Ruggles, 1997: 175). این آرامگاه با گنبد بزرگ پیازی شکل خود بر روی ساقه بلندی قرار داده شده است، و اتاق‌های هشت ضلعی در زوایا بسیار سنجیده به هم متصل شده‌اند (بلرو و بلوم، ۱۳۹۱: ۷۱۲). شاه‌جهان آن را به یادگار زن خویش، ملکه «ممتاز محل» بنا کرد (دهخدا، ۱۳۳۵). در واقع تاج‌محل نوعی باغ‌آرامگاه است، آرامگاهی که فضای آن با یک باغ تلفیق و ترکیب شده است. طراحی این بنا براساس الگوهای طراحی و معماری ایرانی استوار است (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۳). گلمبک بر این عقیده است که باغ‌های مغولان کبیر، چون تاج‌محل، ریشه در باغ‌های اجدادشان (تیموریان) دارند (Golombek, 2006: 137-139)؛ (جدول ۲).

بحث پیرامون ساختار فضایی و پلان کاخ هشت‌بهشت تبریز براساس گزارش جهانگرد ونیزی با استناد به یادداشت‌های تاجرونیزی (کنترینی و همکاران،

عدم توجه آنان به شهروند شدن بوده است. ضمناً در آداب و رسوم مغول به روایات متعددی برمی‌خوریم که مبنی بر تمایل جامعهٔ عشیره‌ای به نگهداری، حفظ پاکی و اصالت روابط خونی اعضاء آنان بوده است. به پیروی از همین آداب و رسوم، اشخاصی که اصل و نسبشان را متفاوت می‌دیدند خود را از قبيله جدا می‌ساختند و مجبور به تاسیس نقطهٔ اسکان دیگری بودند (تسوف، ۱۳۸۸ : ۸۷). از این رو کاخ‌های دوران مغول به بعد، برخلاف صدر اسلام نه کاخ شهر، بلکه کاخ منفرد محسوب می‌شوند.

مطابق توصیفات ویلبر و گلمبک، کاخ هشت‌بهشت اوزون‌حسن (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴ : ۲۵۰-۴۸؛ ویلبر، ۱۳۹۰ : ۹۶-۱۰)، با پلان هشت وجهی و طرحی اندیشیده شده با کاربری‌های مختلف (بانی مسعود، ۱۳۸۴ : ۱۲-۳)، با موقعیت مکانی میدان و باغ صاحب‌آباد تبریز ایجاد شد (بدلیسی، ۱۳۷۷ : ۱۲۶. عمرانی و امینیان، ۱۳۸۶ : ۲۰-۲). در این صورت براساس مینیاتور مطراچی و توصیفات جهانگرد ونیزی (مطراچی، ۱۳۷۹ : ۸۷؛ کنتارینی و زنوکارترینو، ۱۳۸۱ : ۴۱۹-۴۱۴)، ضمن تفکیک عناصر فضایی هشت‌بهشت، پلان دسترسی به فضاهای درونی این کاخ ترسیم شده و از این‌رو کاخ هشت‌بهشت تبریز، به عنوان کهن‌ترین نمونه و خاستگاه کاخ‌های هشت وجهی دوران صفوی و فضاهای معماری قلمرو فرهنگی عثمانی و دولت‌گورکانیان هند شناخته شده است.

تبدیل مقیاس یارد به متر، ارتفاع صفا را ۱/۳۷ و پهنای آن را ۴/۵۷ متر و ارتفاع ازاره با ۲/۷۴۳ متر محاسبه، و براساس این مستندات، سیمای معماری کاخ ترسیم شده، و کاربرد سنگ‌های مرمر در ازاره متأثر از اقلیم و شرایط جوی منطقه شمال‌غرب، لحاظ شده است. همچنین براساس یادداشت‌های تاجرگمنام و با توجه به مینیاتور موجود از کاخ هشت‌بهشت تبریز، ساختار فضایی و پلان هشت ضلعی منتظم این کاخ به گونه‌ای طراحی شده که طرح شماتیک کاخ هشت‌بهشت تبریز، با مینیاتور مطراچی و نیز یادداشت‌های تاجر ونیزی تطابق دارد. به دلیل مبهم بودن تحولات ساختاری کاخ‌های ایران از صدر اسلام تا تیموری، ذکر نکاتی ضروری به نظر می‌رسد و آن تفاوت در ساختار کاخ‌های صدر اسلام، با کاخ‌هایی است که پس از ورود مغولان در ایران احداث شده است. کاخ‌های صدر اسلام چون ترمذ، لشکری بازار و غزنه از جمله کاخ‌هایی هستند که به صورت «کاخ‌شهر» و در مقیاسی وسیع با انواع فضاهای معماری برپا شده و حضور توده مردم نیز در آنها تأیید شده (هیلن براند، ۱۳۹۳ : ۴۱۴-۴۱۲)، لیکن کاخ‌هایی که پس از فتوحات اقوام آسیای میانه (مغولان) در ایران احداث شدند، چون کاخ آباقاخان در تخت سلیمان و کوشک‌های تیموری در سمرقند و نیز هشت‌بهشت تبریز، به صورت منفرد و در مقیاسی کوچک ساخته شدند، چرا که آنچه برای مغولان اهمیت داشته، حفظ اصالت خونی آنان و

نتیجه‌گیری

ابداع و پراکنش فرم «هشت‌بهشت» همراستا با جریانات سیاسی-فرهنگی جاری پیرامون قرن نهم و دهم ه.ق، از تبریز دوره ترکمانان آغاز، و در حوزهٔ فرهنگی ایران عصر صفوی و سرزمین‌های همجوار منتشر شده است. از این‌رو بنای چینیلی کوشک عثمانی با استناد به منابع تاریخی، شواهد موجود باستان‌شناختی و تطابق پلان و فضای درونی آن با کاخ هشت‌بهشت تبریز، اولین نمونه بارزی است که کاملاً و امدار کاخ هشت‌بهشت تبریز است. باید اشاره کرد از آنجا که شاه طهماسب اول صفوی که بیش از نیمی از پادشاهی خود را در تبریز گذرانیده و از نزدیک با سبک معماری هشت‌بهشت آشنا شده بود، خواستار برپایی آن در پایتخت بعدی خود، قزوین شده بود. از این رو با تطبیق پلان و دیگر جزئیات فضای معماری کوشک سلطنتی قزوین با کاخ هشت‌بهشت تبریز، انعکاس کاخ هشت‌بهشت اوزون‌حسن در این کاخ به صراحت پیداست. نکتهٔ مهم این است که منابع تاریخی همچنان خاستگاه کاخ هشت‌بهشت اصفهان را در چینیلی کوشک سلطان محمد فاتح عثمانی کاویده‌اند. این در حالی است که چینیلی کوشک عثمانی، خود ریشه در هشت‌بهشت تبریز دارد، از این رو با تطبیق پلان، عناصر معماری، فضاهای ورودی و تعداد طبقات در کاخ هشت‌بهشت اصفهان، سبک معماری این کاخ کاملاً ملهم از کاخ اوزون‌حسن است، اما به دلیل نبود آثار معماری از کاخ اوزون‌حسن، سبک معماری کاخ هشت‌بهشت اصفهان را (به اشتباه) برگرفته از چینیلی کوشک عثمانی می‌دانند. منابع در تأیید فرضیه اذعان دارند : «سبک خاص معماری بناهای تیموری (و سپس در تداوم همان سبک معماری، و با ایجاد کاخ هشت‌بهشت تبریز) بین‌المللی شد و از طریق واسطه‌ای چون کاخ هشت‌بهشت اصفهان، به سرزمین هند نیز رسید و امپراطوران گورکانی با الهام از بناهای اجدادشان (تیموریان) و نیز کاخ هشت‌بهشت اصفهان، دست به ایجاد باغ‌آرامگاه‌هایی چون باغ‌آرامگاه همایون‌شاه گورکانی، و تاج‌محل زدند»؛ گرچه سبک معماری باغ‌های ایرانی و تیموری در این باغ‌آرامگاه‌ها کاملاً محرز شده است، از این‌رو می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که باغ چادرها و سبک خاص معماری باغ و گنبدسازی تیموری در بناهای ترکمانان شمال‌غرب ایران، به‌ویژه کاخ هشت‌بهشت تبریز نقش بی‌بدیلی را ایفا کرده، و سپس تداوم آن را در چینیلی کوشک عثمانی می‌توان دید. در پایان باغ‌آرامگاه همایون‌شاه گورکانی و تاج‌محل نیز که در قرن دهم قمری و سال‌ها پس از کاخ

هشت بهشت تبریز، در سرزمین هندوستان بنا شده‌اند، درحقیقت ریشه در کاخ هشت بهشت اوزون حسن در تبریز دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. تحرک و جایابی های تیمور در اطراف قلمروش کوتاه بوده و بیشتر در باغ‌های سمرقند و اطراف آن مستقر بوده است و این سنت، همان تجربه‌ای است که در دوره ایلخانان نیز رواج داشته است، چرا که اسکان در چادرها، در تسهیل امورات مربوط به تفریح، شکار، تحرکات و جایابی های نظامی بسیار کارآمد بود (Golombek, 2006; 142).
۲. تیمور در اطراف و نزدیکی سمرقند به احداث حلقه‌ای از باغ‌های سلطنتی مبادرت ورزید. این تفرج گاه‌ها عبارت بودند از: «باغ شمال»، «باغ ارم»، «باغ بهشت»، «باغ دلگشا»، «باغ نو»، «باغ جهان نما»، «باغ دراز»، «باغ دولت آباد»، «باغ تخت قراچه»، «باغ قراتوپه» (Golombek, 2006; 140)؛ جکسون و لاکهارت: (۱۳۹۰: ۱۱۹).
۳. البته در بعضی منابع (عالم‌آرای عباسی) این کاخ را به پسر اوزون حسن (یعقوب) نسبت داده‌اند (اسکندربیک ترکمان، ۱۳۸۲: ۲۲۰-۲۱۸).

فهرست منابع

- اسکندربیک ترکمان. ۱۳۸۲. *عالم‌آرای عباسی*. تصحیح ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- اولیاء چلبی. ۱۳۳۸. *سیاحتنامه اولیاء چلبی*. ت: حسین نخجوانی. تبریز: بینا.
- بانی مسعود، امیر. ۱۳۸۴. *باغ صاحب آباد تبریز*. باغ نظر، (۴۰) : ۱۲-۳.
- بدلیسی، شرف‌الدین بن شمس‌الدین. ۱۳۷۷. *شرفنامه*. تهران: اساطیر.
- بلر، شیلا و بلوم، جانانان. ۱۳۹۱. *هنر و معماری اسلامی (۲) (۱۲۵۰-۱۸۰۰)*. ت: یعقوب آژند. تهران: سمت.
- بیهقی، خواجه ابوالفضل. ۱۳۶۲. *تاریخ بیهقی*. به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض. تهران: چاپ مسعود.
- پتروچیولی، آتیلیو. ۱۳۹۱. *باغ‌های اسلامی، معماری طبیعت و مناظر*. ت: مجید راسخی. تهران: روزنه.
- رپوپ، آرتور و آکرمن، فیلیس. ۱۳۸۷. *سیری در هنر ایران*. تهران: انتشارات شرکت علمی و فرهنگی.
- ر تقوایی، ویدا. ۱۳۹۰. *بازخوانی صورت کاخ هشت بهشت اصفهان. نامه معماری و شهرسازی*، (۵) : ۱۶۱-۱۴۸.
- جکسون، پیتر و لاکهارت، لورنس، ۱۳۹۰، *تاریخ ایران کمبریج- دوران تیموری*. ت: تیمور قادری. تهران: مهتاب.
- چینگ، فرانسیس، دی، کی؛ یارتسومبک، مارک ام و دیتیپراکاش، ویکرا. ۱۳۸۹. *تاریخ معماری جهان*، محمد رضا افضل، تهران، نشریه تفکر معماری
- خوانساری، مهدی، محمدرضا مقتدر و مینوش یآوری، ۱۳۸۳، *باغ ایرانی بازنمایی از بهشت*، ترجمه مهندسین مشاور آران، تهران، سازمان میراث فرهنگی و کشوری
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۳۵، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران
- ذکاء، یحیی. ۱۳۶۸. *زمین‌لرزه‌های تبریز*. تهران: انتشارات کتاب سرا.
- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. ۱۳۵۲. *آثار ملی اصفهان*. تهران: انجمن آثار ملی.
- سلطانزاده، حسین. ۱۳۷۸. *تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج محل: آرامگاه بانوی ایرانی تبار*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- شیمیل، آنه ماری. ۱۳۹۱. *راز اعداد، فاطمه توفیقی*. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- طوسی، معصومه و امامی‌فر، سید نظام‌الدین. ۱۳۹۰. *نمادشناسی و نشانه‌شناسی عناصر باغ‌های ایرانی با توجه به عناصر باغ فین کاشان*. فصلنامه نگره، (۱۷) : ۷۱-۵۹.
- علی یزدی، شرف‌الدین. ۱۳۳۶. *ظفرنامه*، مصحح سید سعید میر محمد صادق و عبدالحسین نوایی. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی.
- عمرانی، بهروز و امینیان، محمد. ۱۳۸۶. *گمانه‌زنی در میدان صاحب‌آباد و مجموعه حسن پادشاه*. مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۲ (۵۰) : ۱۱۸-۹۱.
- همدانی، رشیدالدین فضل‌الله. ۱۳۳۴. *جامع التواریخ*. به تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی. تهران: البرز.
- کلاویخو، روی گنزالس. ۱۳۷۴. *سفرنامه کلاویخو*. ت: مسعود رجب‌نیا. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- کنتارینی، باربارو، زنو و دالساندری، آنجوللو. ۱۳۸۱. *سفرنامه ونیزیان در ایران*. ت: منوچهر امیری. تهران: انتشارات خوارزمی.
- مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد. ۱۳۸۵. *محاسن اصفهان*، حسین بن محمد آوی، ج ۱. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.
- ویلبر، دونالد نیوتن. ۱۳۹۰. *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن*. ت: مهین دخت صبا. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- ویلبر، دونالد، لیزا گلمبک و رنتا هلد. ۱۳۷۴. *معماری تیموری در ایران و توران*. ت: محمد یوسف کیانی و کرامت‌الله افسر. تهران: شورای کتاب سازمان میراث فرهنگی کشور.
- هنرفر، لطف‌الله. ۱۳۴۴. *گنجینه آثار تاریخی اصفهان*. اصفهان: کتاب فروشی ثقفی.
- هیلن براند، رابرت. ۱۳۹۳. *معماری اسلامی*. ت: دکتر باقر آیت‌الله زاده شیرازی. تهران: انتشارات روزنه.

- Golombek, L. (2006). The Gardens of Timur: New Perspectives. In *Muqarnas Volume XII: An Annual on Islamic Art and Architecture*. Leiden: E.J. Brill.
- O’Kane, B. (1998). *From Tents to Pavilions: Royal Mobility and Persian Palace Design*. In *Ars Orientalis*, Vol. 23. Gülru Necipoglu, ed. Ann Arbor: University of Michigan, Department of History.
- Ruggles, D. F. (1997). *Humayun’s Tomb and Garden: Typologies and Visual Order*. In *Gardens in the Time of the Great Muslim Empires: Theory and Design*. Edited by Petruccioli, A. Leiden, New York: E.J. Brill.